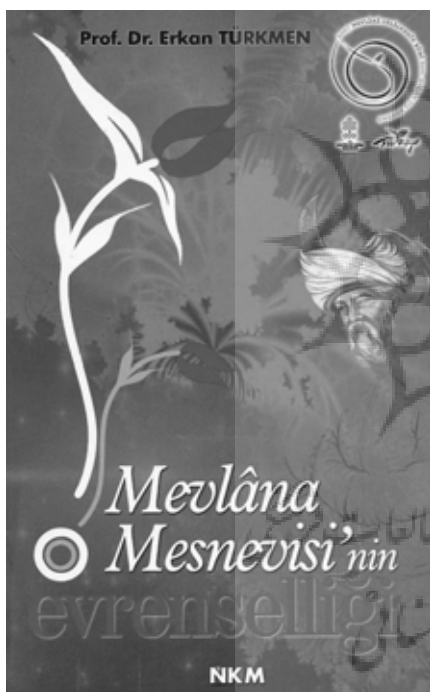


# شرح درد اشتیاق



جهان شمولی «مثنوی»

عنوان اصلی: Mevlâna Mesnevisi'nin evrenselligi

نویسنده: ارکان ترکمن (Erkan Türkmen)

ناشر: انتشارات NKM

محل و تاریخ انتشار: استانبول - آوریل ۲۰۰۷ - ۱۵۹ صفحه (مصور)

## (۱) درباره نویسنده:

ارکان ترکمن در سال ۱۹۴۳ در پیشاور (هندوستان) به دنیا آمد. اجداد وی از هندوستان به ترکمنستان کوچیده بودند. پدر بزرگش میرزا فریدون بیگ از شاعران و نویسندگان بزرگ بود. ارکان پس از اتمام تحصیلات خود در پاکستان به عنوان مهاجر به ترکیه آمد و در سال ۱۹۷۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه آنکارا نایل گشت. سپس در دانشگاه استانبول به ادامه تحصیل دست زد و به دریافت درجه دکترا در رشته زبان‌ها و ادبیات‌های شرقی توفیق یافت. ارکان ترکمن در

سال ۱۹۸۷ به درجه دانشجویی، در سال ۱۹۹۳ به درجه استادی دانشگاه سلجوق دست یافت و در فاصله سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۹۸ در گروه زبان و ادبیات ترکی همان دانشگاه به تدریس مشغول شد. وی پس از تأسیس گروه زبان‌ها و ادبیات شرقی در دانشگاه سلجوق، در رأس این گروه قرار گرفت.

ارکان ترکمن به مطالعات علمی در کشورهای هندوستان، پاکستان، ایران، قزاقستان، ترکمنستان و لیبی پرداخته است و با زبان‌های فارسی، ترکی، انگلیسی و اردو آشنایی دارد. از وی کتابی به زبان انگلیسی با عنوان «The Essence of Rumi's»



**مثنوی مولانا از نظر محتوا،  
جنبه جهانی دارد. این اثر  
شش جلدی زمانی که مولانا  
در حیات بود تا ایران،  
هندوستان (پاکستان)،  
افغانستان و آسیای میانه رفت و  
اکنون نیز در غرب مورد توجه است.  
عرضه اصول اخلاقی در «مثنوی»  
مهمترین عامل شهرت آن است.**

۲-۳) در بخش سوم (صص ۴۸-۹۳) به متن سخنرانی نویسنده در دانشگاه خاور نزدیک قبرس شمالی جای داده شده و «مثنوی» از جنبه کیفیت مورد مطالعه قرار گرفته است که هر کسی بر اساس ظن خود می‌تواند از آن بهره گیرد و به بعدی از افکار اندیشه‌های مولانا دست یابد.

۲-۴) در بخش چهارم (صص ۶۶-۹۴) به مقایسه نسخه‌های خطی «مثنوی» موجود در کتابخانه‌های ایران و هندوستان با نسخه اقدم مضبوط در موزه مولانا پرداخته شده است: «در نسخه‌های خطی و شرح‌های «مثنوی» که از آناتولی به ایران و هندوستان (حتی پاکستان و افغانستان) رفته‌اند، ملحقات و تعلیقات نامربوط به چشم می‌خورد. خدا را شکر که نسخه اصلی «مثنوی» در موزه موجود است. در شرح‌هایی که بر «مثنوی» نوشته شده، سه نوع نارسایی به چشم می‌خورد. اولاً شارحین از نسخه‌های ناقص استفاده کرده‌اند. ثانیاً بعد عرفانی «مثنوی» را درک نکرده‌اند. ثالثاً تعلیقاتی بر اساس اعتقادات محلی بر «مثنوی» افزوده‌اند.» (صص ۵۲-۱۵).

۲-۵) بخش پنجم (صص ۹۱-۷۶) به صحبت درباره شروعی که بر «مثنوی» در هندوستان به فارسی یا به زبان اردو نوشته شده‌اند، اختصاص یافته و از میان آنها شرح هجده بیت مولانا از

Mesnevi» در دست است که بیش از ده بار تجدید چاپ شده است.

ارکان ترکمن پس از بازنشستگی مدتی در دانشگاه چاغ (Çağ) و سپس در دانشگاه احمد یسوی قزاقستان مشغول گشت و در حال حاضر در گروه زبان و ادبیات ترکی و بخش زبان انگلیسی «دانشگاه خاور نزدیک» قبرس شمالی انجام وظیفه می‌کند.

**۲) مضامین اصلی:**

کتاب از ده بخش زیر تشکیل شده است:

۲-۱) در بخش اول (صص ۳۳-۹) هجده بیت اول «مثنوی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. وی در تفسیر و تأویل این هجده بیت که اساس «مثنوی» را تشکیل می‌دهند از چهار گروه شرح که بر «مثنوی» نوشته شده‌اند، استمداد کرده است:

۱- گروه ترک: در این گروه بیش از همه شرح اسماعیل دده رسوخی انقروی (ف ۱۶۳۱ م) و پس از آن شرح عبدالباقی گلپینارلی جای دارد.

۲- گروه هند: در این گروه شرح مولانا احمد حسین جای می‌گیرد که در سال ۱۹۱۶ چاپ و منتشر شده است.

۳- گروه ایران: در این گروه شرح فروزانفر جای دارد که بخشی از «مثنوی» را در بر می‌گیرد و با استمداد از ده شرح تدوین گشته است.

۴- گروه غرب: در این گروه از شرح انگلیسی نیکلسون باید یاد کرد که بیشتر از شرح، ویژگی ترجمه دارد.

۲-۲) بخش دوم (صص ۳۸-۵۲) حاوی سخنرانی نویسنده در کنفرانس بین‌المللی مولانا (۱۹۸۷) می‌باشد که طی آن از مولانا به عنوان عاشق واقعی یاد کرده است. در این بخش عشق با استفاده از «مثنوی» به شرح زیر تجزیه و تحلیل شده است:

- عشق صبر و فداکاری می‌خواهد؛

- عقل در برابر قدرت عشق ناتوان است؛

- عشق ابدی پایدار است؛

- عشق در وراء اعتقادات و مذاهب جای دارد؛

- معشوق ساکت و عاشق در حرکت است؛

- در عشق نگرانی از گذشت زمان و مرگ نیست.



احمد حسین مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۶-۲) در بخش ششم (صص ۱۰۴-۳۹) به اشاراتی چون علم، احتراز از دوستان بد، عشق الهی،... جای داده شده که سعادت و خوشبختی برای انسان فراهم می‌سازد.

۷-۲) در بخش هفتم (صص ۱۱۴-۱۰۵) مقوله انسان کامل و عشق الهی نزد احمد یسوی، مولانا و یونس امره مورد مطالعه قرار گرفته است.

۸-۲) در بخش هشتم (صص ۱۲۸-۱۱۵) از جهان‌شمولی «مثنوی» مولانا سخن به میان آمده است:

«مثنوی مولانا از نظر محتوا، جنبه جهانی دارد. این اثر شش جلدی زمانی که مولانا در حیات بود تا ایران، هندوستان (پاکستان)، افغانستان و آسیای میانه رفت و اکنون نیز در غرب مورد توجه است. ۱. عرضه اصول اخلاقی در «مثنوی» مهم‌ترین عامل شهرت آن است. در آسیای میانه و آناتولی مریدان نجم‌الدین کبری و احمد یسوی به مقوله عشق الهی و تصویر انسان کامل که مولانا ترنم می‌کرده، دل‌بسته بودند. البته که یونس امره نیز جزو این افراد قرار داشت. در افغانستان و هندوستان که دین بودایی و هندو رواج داشت توجهی خاص به «مثنوی» معطوف می‌شد. تشابه موجود میان آموزه‌های «مثنوی» و «کلیله و دمنه» در مقبولیت «مثنوی» در هندوستان مؤثر بوده که در عین حال رشد و گسترش تصوف را در این منطقه نیز به همراه آورد...» (ص ۱۱۷).

در قسمتی از این بخش تصوف در شاخه‌های عربی - ترک - ایرانی و هندی مورد مطالعه قرار گرفته و از متصوفان بزرگ چون حسن بصری، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، منصور حلاج و محی‌الدین عربی یاد شده است.

در پایان این بخش از حرکت‌های تصوفی در سرزمین ترکان و از مواردی که تصوف ترک را از دیگر تصوف‌ها جدا می‌سازد، سخن رفته است. این اختلافات بدین شرح عنوان شده است:

۱) احترام فوق‌العاده نسبت به خداوند و رسولش

۲) توجه بیشتر از شریعت به حسن خلق و صفای دل

۳) حاکمیت وحدت شهود به جای وحدت وجود

۴) انسان‌بخشی از خداست، ولی حلول خدا نیست

۵) احترام به انسان عنصر اصلی است.» (ص ۱۲۶).

۹-۲) در بخش نهم (صص ۱۳۸-۱۲۹) از شمس تبریزی به عنوان مربی مولانا یاد شده است. در این بخش پس از اشاره به نخستین مربیان مولانا (پدرش سلطان‌العلما و سید برهان‌الدین ترمذی) سخن به شمس تبریزی کشیده می‌شود که به مولانا شنا در اعماق دریای علم لدنی را آموخت: «مولانا پس از آشنایی با شمس علوم ظاهری، شهرت، استادی و مشیخت را کنار گذاشت و متوجه علوم باطنی شد. شمس که تا آن روز عشق الهی و اسرارش را به کسی فاش نکرده بود، آن را در اختیار مولانا گذاشت و بقول سلطان ولد مولانا را از مقام عاشقی به مقام معشوقی خدا رسانید...» (ص ۱۳۳).

در قسمتی از این بخش اشاره شده است که مولانا پس از آشنایی با شمس بود که روی به سماع آورد که بیش از مولانا هم وجود داشت و دو گونه بود: یکی سماع واقعی که در آن اشاره به تجلی حضور پرورگار بسیار قوی است و دیگری سماع ساختگی که گناه حساب می‌شود.

۱-۲) در بخش دهم (صص ۱۵۷-۱۳۹) به ترجمه بعضی از ابیات «مثنوی» دست زده شده است.

### ۳) منابع:

نویسنده در تدوین این اثر که اغلب از سخنرانی‌های او در کنفرانس‌های مختلف تشکیل شده، از منابعی استفاده کرده است که در کتابشناسی‌های پایان هر بخش معرفی شده‌اند.

### ۴) اشاره:

کتاب به طوری که اشاره شد، حاوی تعدادی از مقالات نویسنده است و بدین سبب فاقد انسجام علمی است و ارتباط منطقی میان بخش‌های کتاب و قسمت‌های تشکیل‌دهنده هر بخش که ضرورتی در آثار علمی به حساب می‌آید، به چشم نمی‌خورد.

### پی‌نوشت:

۱. با توجه به این که «مثنوی» پس از وفات مولانا از سوی بهاء ولد و حسام‌الدین چلبی جمع‌آوری شد، انتقالش به خارج از قونیه در حیات مولانا نمی‌تواند صحت داشته باشد. (گردآورنده)